یادداشت

به حرمت یک عمر سربلندی و سالاری کسایی

فروغ بهمن‌پور

■ در امتداد فضای سرزنده زاینده‌رود، درست وسط خیابان آذر خانه استاد، محکم و بی‌ادعا ما را به درون خود فرا می‌خواند همانطور که صدای ساز او همواره ما را به مامنی درونی بازمی‌گرداند. آن سوی در چوبی سبزرنگ، حیاطی جای گرفته با باغچه‌ای جان‌پرور پوشیده از گل و گیاه که همه آن صفا و طراوت جلوه‌ای است از حضور سلاله پیامبر که حالا مثل درخت چنار وسط خانه سال‌های کهنسالی را طی می‌کند. آن طرف سنگفرش آجری که حالا از جای جای آن می‌توانی رد پای صبا و محجوبی، تاج و شهناز، ادیب خوانساری و دیگر هنرمندانی را ببینی که حیات هنری این سرزمین وامدار حضور سبزشان است، اتاقی قدیمی جا خوش کرده که یگانه دوران، استاد کسایی بزرگ روزهای طاقت‌فرسای بیماری را در آن سپری می‌کند؛ اتاقی که به برکت وجود او به میهمانی آفتاب نشسته است، بگذریم از اینکه این خانه به بهانه نوسازی، عریض کردن خیابان یا هر چیز دیگر شاید به زودی و با لطف شهرداری اصفهان! ویران شود...

انگار همین دیروز بود که همراه با احمد مسجدجامعی، استاد شجریان و جمع اندکی از شیفتگانش ۸۵سالگی‌اش را به شادی نشستیم. کسایی بیمار بود اما حضور دوستدارانش را با موسیقی پاسخ گفت. تا چشم برهم زدنی فریاد نی بود که در نفس‌ها پیچید. آن جنبش و چرخش و گردش نفس را هیچ‌گاه از یاد نمی‌برم. آهنگ دلنشینی که از نای کسایی برمی‌خاست همگام با افسانه دل‌آویز سپاهان راهی دراز را پیموده بود؛ راهی نه‌چندان هموار که از آوارگی دلداده‌هایش حکایت‌ها بر جای مانده است. لحظه‌ای بعد استاد، سه‌تاری در آغوش گرفت و با تردستی آن را نواخت؛ نواختنی که یک عمر سرایش عبادی و شهناز را به خاطرمان آورد. آن شب استاد آنچه را که باید، با جان و دل ما کرد، بعد هم از خاطرات سال‌های رونق هنرش گفت و همچنین از سکوت و خانه‌نشینی‌اش. گاهی کلام او پر از شکوه و شکایت بود و گاهی دیگر سرشار از ایمانی پرشور به موسیقی؛ هنری که رستگاری خود و دنیای پیرامونش را در آن می‌دید.

دلم می‌خواهد همین یکی، دو روزه به اصفهان بروم به همان خانه قدیمی، به اتاقی که تا همین چند وقت پیش استاد با سالاری و سربلندی به میزبانی من و دیگر شیفتگانش می‌نشست. نمی‌دانم سرنوشت مستندی که از زندگی او ساخته بودند، به کجا کشید. مهرداد دفتری کارگردان فیلم برای انتشار اثر به خیلی جاها رفت؛ از سازمان‌های فرهنگی و هنری گرفته تا بخش خصوصی که حکایت آن را در جایی به تفصیل خواهم نوشت.

عکس‌ها، دستخط‌ها، سازها، حامل‌های صوتی و دیگر یادگارهایی که تا همین دیروز به مهربانی کنار دست او چیده شده بودند یادگار روزهای طلایی موسیقی این سرزمین هستند که استاد به بهای گزاف یک عمر زندگی آنها را به دست آورده است و تنها دغدغه‌اش در روزگار پیری و خانه‌نشینی انتشار آنها بود که ظاهرا جز خود او، خانواده و جمعی اندک، کس دیگری نگران سرنوشت آنها نیست. حالا یگانه دوران، کسایی شریف که هویت موسیقی از حضورش قوام یافته بر تخت بیماری آرمیده مستند زندگی‌اش، نواخته‌ها و دست‌نوشته‌های او که هر کدام سند پرافتخار است برای هنر ایران‌زمین، در گوشه اتاق کهنسال استاد به تماشای ایام و در انتظار سرنوشت نشسته‌اند. من و تو چه کاری می‌توانیم برای به ثمر رسیدن آنها بکنیم. سازمان‌ها و نهادهای هنری و فرهنگی هم که کارهای مهم‌تری دارند. برگزاری شوهای پرهزینه و کارهای نمایشی و غیرساختاری، برپایی سمینارهای باشکوه و مجلل و... دیگر فرصتی برای پرداختن به این مهم برایشان باقی نمی‌گذارد پس آثار استاد کسایی هم مثل یکصد ساعت نوار باقی‌مانده و منتشرنشده استاد صبا، صدها ساعت آثار پرویز یاحقی، مرتضی محجوبی، حبیب‌الله بدیعی و جهانگیر ملک و... به سرنوشت نامعلوم مبتلا شود، چه باک؟

مرگ دو شاعر به تصادف

شاخه‌ها در باد تکان می‌خورند/ و آزادی در کلمه‌اش/
کسی از روبه‌رو نمی‌آید/ و مرگ همیشه از پشت می‌رسد

از مجموعه مرثیه برای درختی که به پهلو افتاده است، غلامرضا بروسان

گروه ادبیات: «هیچ قطاری وقتی گنجشکی را زیر می‌گیرد از ریل خارج نمی‌شود.» این شعر را انگار غلامرضا بروسان در پیشگویی مرگ خود در صبح دوشنبه ۱۴آذر در جاده قوچان – شیروان، گفته بود. مرگی به تصادف که قربانیانش، غلامرضا بروسان، شاعر مشهدی – و همسر شاعرش – الهام اسلامی – و لیلا - دختر ۸ساله‌شان - بودند و مجتبی، پسر شاعر تنها نجات‌یافته این تصادف بوده است. حادثه، دوشنبه ساعت هفت صبح با انحراف اتومبیل از جاده و برخورد با یک اتوبوس اتفاق افتاده است. غلامرضا بروسان، فرزند شهید بروسان بود و متولد ۱۳۵۲. هم غزل می‌سرود و هم شعر سپید. گرچه غزلش هم نه غزل به شیوه قدما که متاثر از زبان امروز بود. بروسان از شاعرانی بود که شعرش بارها مورد توجه جشنواره‌های مختلف شعر قرار گرفته و چندبار موفق به دریافت جایزه از این جشنواره‌ها شده بود که از مهم‌ترین این جوایز یکی جایزه ویژه شعر خبرنگاران و دیگری جایزه نیما بود. الهام اسلامی، همسر بروسان نیز در سال ۱۳۸۷ موفق به دریافت جایزه شعر جوان شده بود. از بروسان چندین مجموعه شعر منتشر شده که «مرثیه درختی که به پهلو افتاده»، «یک بسته سیگار در تبعید»، «احتمال پرنده را گیج می‌کند»، از جمله این مجموعه‌هاست.

بروسان چند کتاب دیگر از جمله مجموعه‌ای از غزلیاتش با عنوان «عاشقانه‌های یک سرباز» و مجموعه شعر آزاد خراسان را برای انتشار آماده می‌کرد که مرگ در کیلومتر ۱۵جاده قوچان به شیروان مهلت انتشار این آثار را به او نداد. بروسان شاعری بود که در غزل‌هایش اندوه و بغض و دلتنگی و حماسه و عشق و مرثیه را در زبانی ساده و نزدیک به زبان گفتار به هم گره می‌زد.

شعر او در عین دلتنگی‌های فردی از رگه‌های انتقادی هم یکسره تهی نبود. مثل آنجا که سروده است: «دست از دلول کهنه دیروز بر ندار/ از غیرتی که سخت در این روستا کم است.» و البته به تمام ویژگی‌های شعر بروسان باید مرگ‌اندیشی را نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر او افزود. مرگ در سطر سطر شعر بروسان پرسه می‌زد. مثل این شعر: «مردند/ با معمایی در مشت/ و ماه/ بر دندان‌هاشان تابید/ ریز و درشت» پیکر بروسان روز سه‌شنبه در مشهد تشییع شد.

بیانیه «جایزه شعر نیما» برای کوچ غلامرضا بروسان

نامت
از ساق‌هایم شروع می‌شود
از دلم عبور می‌کن
و دهانم را به آتش می‌کشد
چطور می‌تواند مرگ از تو تنها گودالی را پر کند

شاعر مرگ را در می‌نورد، پیش از آنکه موعدش فرارسیده باشد. خبر ناگهانی درگذشت غلامرضا بروسان، برگزیده دومین دوره جایزه نیما و همسر او الهام اسلامی (که هر دو از شاعران جوان و با آتیه شعر فارسی بودند) و فرزند ایشان، همه ما را در بهت فرو برد. این حادثه تلخ را به همه شاعران و نویسندگان این مرز و بوم تسلیت می‌گوییم.

پیام تسلیت جایزه شعر خبرنگاران و عصر روشن

مرگ چگونه می‌تواند از تو تنها گودالی را پر کند؟! چگونه می‌توان باور کرد غلامرضا بروسان درختی است که به پهلو افتاده، غم همچون سنگی ما را در سراشیبی دنبال می‌کند، بشکه‌هایی بزرگ را در دل‌مان جابه‌جا می‌کنند و نمی‌دانیم چه باید کرد با فلفلی که طعم فراق می‌دهد!؟

شنیدن خبر درگذشت شاعر بر قلب و قلم چنان سنگینی می‌کند که واژه را یارای سخن گفتن از آن نیست.

دبیرخانه جایزه شعر خبرنگاران و دبیرخانه سلسله نشست‌های فرهنگی «عصر روشن» درگذشت غلامرضا بروسان ـ شاعر ـ و همسرش الهام اسلامی ـ شاعر ـ را به جامعه فرهنگی کشور، به ویژه شاعران دردمند و دل‌خسته، تسلیت می‌گوید و یادشان را گرامی می‌دارد.

کلاری، جایزه «کمر ایمیج» را دریافت کرد

شرق: برای تکمیل شدن افتخارات ایران و اصغر فرهادی تنها دو جایزه مانده است تا نامزد شدن در گلدن‌گلاب و اسکار.

این فیلم در این چند روز گذشته هم توانست جایزه بهترین فیلم مستقل خارجی بریتانیا را دریافت کند و هم طاووس جایزه جشنواره «گوآ»ی هند را. اما مهم‌ترین اتفاق شاید دریافت جایزه اسکار فیلمبرداری جهان از طرف محمود کلاری باشد. محمود کلاری که جایزه قورباغه نقره‌ای «کمر ایمیج» را از نوزدهمین دوره جشنواره «پلاس کمر ایمیج» برای فیلمبرداری فیلم «جدایی نادر از سیمین» ساخته اصغر فرهادی دریافت کرده است. به گزارش ایسنا این هنرمند در مراسم اعطای جایزه‌اش که در شهر لوتز برگزار شد، گفت: «این قشنگ‌ترین قورباغه‌ای است که در همه عمرم دیدم و باعث افتخارم است که این جایزه فوق‌العاده را به علت این فیلم فوق‌العاده ـ «جدایی نادر از سیمین» ـ می‌گیرم.»

تشکر ویژه کلاری از اصغر فرهادی بود و خوشحال از اینکه به این فیلمساز و شیوه پیشنهادی او برای تصویربرداری این فیلم اعتماد کرده است.

فیلمبرداری روی دست منحصربه‌فرد و خلاقانه فیلم «جدایی نادر از سیمین»، مهم‌ترین ویژگی این فیلم است که در کنفرانس خبری مراسم اعطای جایزه در لهستان بیشترین پرسش‌ها و تحسین‌ها را از سوی منتقدان و خبرنگاران در پی داشت.

کلاری در این نشست عنوان کرد: «۱۲ سال پیش که نخستین بار به خاطر فیلم «باد مرا خواهد برد» ساخته عباس کیارستمی نامزد دریافت جایزه از این فستیوال بودم، اعتقاد داشتم فیلمبرداری خوب یعنی ساختن تصاویری با ترکیب‌بندی زیبا، اما این روزها درحالی‌که تصویربرداری بیش از ۶۰ فیلم را پشت سر گذاشته‌ام به این باور رسیده‌ام که در سینما، فیلمبرداری خوب درک دقیق فیلمنامه و نزدیک شدن حسی‌تر به مفهوم ذاتی آن است.

مهم‌ترین چالش در «فیلم جدایی نادر از سیمین»، دور شدن از خودم و همه تجربه‌ها و باورهای قبلی‌ام بود تا بتوانم تخیل کارگردان را تصویری کنم.»

«کمر ایمیج» جایزه‌ای معتبر و جهانی با سابقه برگزاری ۱۹ سال در لهستان است. این جایزه را مدرسه «ووژ» در لهستان که مهم‌ترین مدرسه فیلمبرداری جهان به شمار می‌رود پیشنهاد و راه‌اندازی کرده است.

اما این تنها افتخار این روزها برای «جدایی نادر از سیمین» نیست، این فیلم برنده جایزه بهترین فیلم مستقل خارجی این دوره جوایز مستقل بریتانیا هم شد.

همچنین در این دوره «تیراناسور» اولین فیلم بلند پدی کانسیدین جایزه بهترین فیلم مستقل بریتانیا را دریافت کرد. لین رمزی برای «باید درمورد کوین صحبت کنیم» برنده جایزه بهترین کارگردان شد.

همچنین در چهل‌ودومین جشنواره فیلم هند که در شهر «گوا» به کار خود پایان داد و فیلم «جدایی نادر از سیمین» ساخته اصغر فرهادی، جایزه طاووس نقره‌ای دومین فیلم برتر جشنواره به ارزش ۳۰هزار دلار را دریافت کرد. اما فیلم «جدایی نادر از سیمین» در فصل جوایز سینمایی هالیوود که از هفته گذشته آغاز شده تاکنون برنده جایزه بهترین فیلم خارجی سال از نگاه انجمن ملی منتقدان آمریکا و انجمن منتقدان فیلم نیویورک شده و در جوایز فیلم اسپیریت نیز نامزد جایزه بهترین فیلم خارجی سال است.

«جدایی نادر از سیمین» که اخیرا در جوایز سالانه آسیا ـ پاسیفیک بهترین فیلم سال ۲۰۱۱ شناخته شد، حضور گسترده‌ای در جشنواره‌های جهانی فیلم داشته و انتظارها برای موفقیت در جوایز اسکار ۲۰۱۲ را بالا برده است.

این فیلم درحال حاضر در کشورهای بلژیک، فرانسه، تایلند، ترکیه، انگلیس، آلمان، هلند، مجارستان، سوئد، یونان، لهستان، اسپانیا، کره‌جنوبی، ایتالیا و دانمارک درحال نمایش است و در نوبت نمایش در نروژ و پرتغال قرار دارد.

لیلا حاتمی در مراکش

افتتاحیه یازدهمین دوره جشنواره فیلم مراکش در حالی دوم دسامبر (یازدهم آذر) برگزار شد که لیلا حاتمی بازیگر مطرح سینمای کشورمان به عنوان یکی از اعضای هیات داوران در مراسم حضور داشت. «امیرکوستوریتسا» کارگردان سرشناس صرب ریاست هیات داوران این جشنواره را بر عهده دارد.

«آندره وایدا» جایزه «یک عمر سینما» را گرفت

شرق: نوزدهمین جشنواره فیلم «پلاس کمرایمیج» لهستان جایزه یک عمر دستاورد سینمایی را به «آندره وایدا» اعطا کرد. وایدا، فیلمساز صاحب‌نام لهستانی و از بزرگ‌ترین کارگردانان سینمایی اروپا پس از جنگ جهانی است که اولین تجربه کارگردانی خود را در سال ۱۹۵۴ با فیلم «یک نسل» به ثبت رساند.

نیکی کریمی در دوبی

«سوت پایان» ساخته نیکی کریمی به عنوان تنها فیلم ایرانی در بخش اصلی هشتمین جشنواره فیلم دوبی حضور خواهد داشت. این جشنواره در سه بخش اصلی سینمایی، مستند و کوتاه از ۱۶ تا ۲۳ آذر در دوبی برگزار می‌شود. نیکی کریمی به همراه مهدخت مهدوی‌فر بازیگر فیلم در این جشنواره حاضر خواهند شد.

ترافیک نمایشگاه‌ها در تهران

شرق: گالری‌های تهران از روز جمعه شاهد ترافیک نمایشگاه‌ها خواهد بود. گالری‌های اعتماد، شش، هما، گلستان، اثر و ماه مهر میزبان چند نمایشگاه مهم خواهند بود و به همه اینها باید تعداد زیادی نمایشگاه دیگر را افزود که معمولا جمعه‌ها در تهران افتتاح می‌شوند. در صدر این نمایشگاه‌ها نام پرویز تناولی به چشم می‌خورد که از ۱۸ تا ۲۳ آذر با قالیچه‌های تصویری خود به گالری اعتماد می‌آید. این نمایشگاه با رونمایی از کتاب «فرش» این هنرمند هم همراه خواهد بود. این کتاب را نشر «بن‌گاه» منتشر کرده است. تناولی درباره علاقه چندین ساله‌اش به هنر فرش می‌گوید: «نگاهی سریع و گذرا به دوره‌های مختلف هنر فرش به‌خوبی تحولات زنده و مستدام آن را نشان می‌دهد اما این تحولات همیشه همگون و هماهنگ با دنیای بهشت‌گونه فرش بوده است. با توجه به امور فوق دست‌به‌کار فرشبافی شدم، اما هیچ‌گاه درصدد آمیختن طرح‌های نقاشان اروپایی یا چیزی برگرفته از آنها نشدم و اساس هر دسته از فرش‌های خود را چه تصویری، چه شیری و چه گبه بر اساس این فرش‌ها بنا کردم.» در کنار تناولی، مریم زندی هم با نمایشگاه عکس‌هایش به گالری شماره شش می‌آید. این نمایشگاه گزیده‌ای از عکس‌های مجموعه «مائده‌های زمینی» این عکاس است که به بهانه سالگرد انتشار تقویم‌هایش به نمایش گذاشته می‌شود. نمایشگاه مزبور از ۱۸ تا ۲۸ آذر ادامه دارد. گالری گلستان هم به استقبال نقاشی‌های رایکا میلانیان می‌رود. از نکات جالب توجه این نمایشگاه متن کوتاه لیلی گلستان است که چند صباحی است برای علاقه‌مندان ارسال می‌شود. گلستان درباره این نمایشگاه نوشته است: «کارهای این نقاش جوان هر بار از بار پیش بهتر شده است و من مفتخرم که در گالری گلستان نمایشگاه برگزار می‌کند. به امید دیدارتان.» گالری «هما» هم میزبان آخرین طرح‌های روی کاغذ شیده تامی با عنوان «پرتره هیچکس» می‌شود. تامی از معدود زنان هنرمندی است که از دهه ۷۰ تاکنون به شکل حرفه‌ای در حوزه نقاشی و مجسمه فعالیت و در تمام این سال‌ها به نوعی خودنگاری کرده است و در این عرصه یکی از هنرمندان شاخص محسوب می‌شود. این نمایشگاه که «عمل، از درون تردید» نام دارد از ۱۸ آذر تا هفتم دی برپاست. نمایشگاه مجسمه رضا یحیایی هم از ۱۸ آذر تا پنجم دی در نگارخانه ماه مهر افتتاح می‌شود. علیرضا سمیع‌آذر درباره این آثار نوشته است: «مجموعه آثار جدید یحیایی یک تجربه حجمی بیان‌گراست که به مرزهایی فراتر از دنیای فرم رفته و دستاوردی چشمگیر در ادامه تجربیات پیشین هنرمند را با رویکردی تازه و موادی جدید رقم زده است...»

مترو بار دیگر حریم تئاترشهر را شکست

شرق: درحالی‌که مسوولان قطار شهری تهران قول داده بودند که به جز ورودی مترو هیچ سازه دیگری در محدوده تئاتر شهر نخواهند داشت؛ اما ساخت و سازهای جدید نشان می‌دهد که قرار است با وجود سه فضای مناسب در سه طرف چهارراه ولیعصر تصمیم گرفته شده تا هواکش ایستگاه چهارراه ولیعصر هم بخشی از منظر بصری و فضای اطراف تئاتر شهر را اشغال کند. ظاهرا داستان‌های محوطه اطراف تئاتر شهر قرار نیست به پایان برسد. هفته گذشته در گفت‌وگویی با مدیر تئاتر شهر، او تاکید کرد که وارد تعامل با شهرداری شده‌اند و مشکلی خاصی وجود ندارد حتی اجازه نصب تلویزیون شهری بزرگی در بهترین بخش چهارراه ولیعصر ویژه تئاتر هم گرفته‌اند. اما در چند روز گذشته مشخص شده که در یکی از تکه‌هایی که از ساخت‌وساز مترو همچنان در حصار باقی ماند قرار است در آینده نزدیک هواکش مترو ساخته شود. هواکشی که بر خلاف ورودی مترو نه تنها هیچ آرایه بصری ندارد بلکه منظر بصری تئاتر شهر را به‌عنوان یک اثر ثبت شده ملی را نیز تخریب می‌کند. به دنبال انتشار اخبار این ساخت‌وساز جدید در حریم درجه یک تئاتر شهر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در جمع خبرنگاران گفت: «با توجه با اینکه عملیات ساخت‌وساز ظاهری، شنبه (۱۲ آذر) انجام گرفته، هنوز اطلاع دقیقی ندارم اما به‌طور حتم پیگیر ماجرا خواهم بود و مطمئن باشید درباره این موضوع با شهردار تهران صحبت خواهم کرد.» حمید شاه‌آبادی (معاون هنری ارشاد) هم که در مراسم مخصوص شب‌های عاشورا در تئاتر شهر حاضر شده بود؛ درباره تعرض شرکت بهره‌برداری مترو به حریم مجموعه تئاتر شهر به ایلنا گفت: «برای نخستین بار نیست که شاهد تعرض به فضای اختصاصی تئاتر شهر هستیم. بعضی از دوستان تصمیم‌گیر ما گویا جایگاهی برای مدیریت هنری کشور که مسوولیت تصمیم‌گیری در داخل فضای جامعه هنری را دارد، قایل نیستند و ما بدون هیچ‌گونه اقدام و اطلاع قبلی شاهد عملیات عمرانی هستیم. شاه‌آبادی با اشاره به اینکه انتظار تعامل اطلاع‌رسانی و توجه ویژه به جامعه هنری انتظار زیادی نیست، بیان کرد: چرا ما باید به یک‌باره شاهد چنین اتفاقاتی باشیم. قطعا ضرورت دارد که این تصمیمات به مدیریت هنرهای نمایشی اطلاع داده شده و او در جریان این تحولات باشد و تدبیر بشود. اگر واقعا در حوزه‌ای می‌خواهند راهی در جلو پای فضای هنری کشور ایجاد کنند، این کار باید با همفکری و تعامل مدیران تصمیم‌گیر آن حوزه باشد. هیچ هماهنگی‌ای با معاونت هنری، اداره کل هنرهای نمایشی و رییس مجموعه تئاترشهر صورت نگرفته است.»

گزارش تصویری

از یاد نمی‌بریم که در میانه آذر پانزدهمین سالگرد درگذشت شاعرسینمای ایران «علی حاتمی» است. کارگردانی که سینما را با واژه‌ها، تاریخ و تصویر همراه کرد. از او فیلم های ماندگار ماند. کسی در این سال‌ها نتوانست جای خالی او را پر کند.

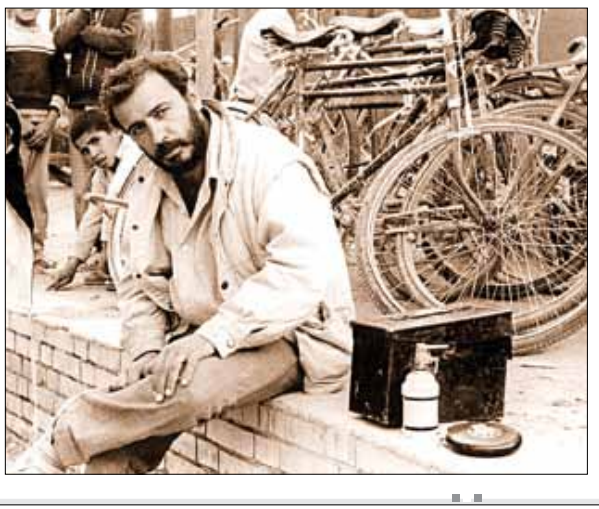

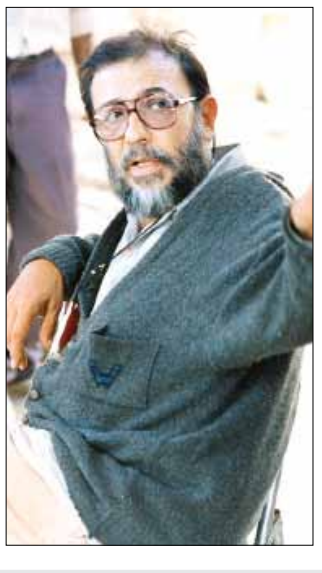

کلبه کوچک من

پشت گرمی (۹۶)

اردشیر خرمنکوب

■ دیوارنویسی در سلول‌های کوچک و بزرگ، به یک فرهنگ مشترک می‌ماند که یکجا در یک کشور به دلیل خفقان و ظلم، کلمه‌ها و شعارها و شعرها، به همان سوی می‌رود و در جایی مثل آمریکا، به همه چیز، از تبلیغ انواع فرقه‌ها تا انواع کشیدنی‌ها و تزریقی‌ها. یک چند نوشته متفاوت هم می‌بینم. تاریخ نگارش آنها به سال‌ها و ماه‌های پیش اشاره دارد: زندگی، منتظرم‌باش برمی‌گردم – فردا با ماست- هر خنده گریه می‌زاید و هر گریه خنده، اگر امروز غمگینی، فردا خواهی خندید - من بی‌گناهم- هوا گرم است- انسان، زندانی دو نفر است: دیگری و خودش! اگر از زندان دیگری رها شود، رهایی از زندان خود به سادگی ممکن نیست دلم برای مادرم تنگ شده- جورج بیچاره دیروز در کلبه مجاور قلبش ایستاد- نگران نباش، آمریکا چشم به راه توست- زنده‌باد خودم-ای کاش من آفریقایی بودم نه آمریکایی آهای شیلی، دلتنگ توام...

در بازی شطرنج، هر مهره‌ای که پشتیبان مناسب داشته باشد، از خطر حذف در امان است. و این، یعنی زندگی. بشر تاریخ، هر زمان پشتیبان مناسب خود را از دست داد، از گردونه زندگی کنار زده شد. امروز اگر یک فرد منفرد، در یک اجتماع شلوغ، احساس امنیت می‌کند، به پشت‌گرمی قانون است. از نقطه صفر زندگی قبیلگی تا همین‌جا که ما برآنیم، این پشت‌گرمی، همچنان نقش محوری خود را در تامین امنیت روانی انسان‌ها حفظ کرده است. پشت‌گرمی، همیشه به تیزی خنجر و تیر و تفنگ و جمعیت فراوان بوده است. قانون هم اگر امروز به حمایت از انسان‌ها برخاسته، در پس و پشت بندها و تبصره‌هایش، تیر و تفنگ و پلیس و زندان در آماده‌باش است. اما این، همه پشت‌گرمی و پشتیبانی نیست. چرا که انسان، از دو سوی روانی و جسمانی به پشتیبانی نیاز دارد. اگر با شمشیر و تفنگ و فراوانی جمعیت و نفوذ قانون، بشود به جسم بشر امنیت داد، روان او آیا با چه تمهیدی امنیت می‌پذیرد؟ نمی‌خواهم به «یاد خدا» که آرام‌بخش دل‌هاست اشاره کنم. سخن از امنیت روانی انسان است و نه آرامش و اطمینان او. کسی که آشفتگی فکری دارد و بر سر باوری قرار نگرفته، یا به یقین محض نرسیده، نیاز به آرامش دارد. اما کسی که می‌ترسد و از هر طرف خود را در خطر می‌بیند، نه به آرامش، که ابتدا به امنیت روانی محتاج است. امنیت روانی، مقدم بر آرامش فکری است. یکی که هم اسلحه دارد هم نگهبان و هم پول، به صورت ظاهر، بیرون خود را آراسته است، اما معلوم نیست درون او نیز به همین صورت باشد. احتمال خطر و ظهور حادثه‌های به‌ناگاه و تعریف نشده، همواره او را به آغوش اضطراب و نگرانی و دلهره می‌افکند. امنیت روانی آنجا برآورده می‌شود که: ترس و دلهره‌ای در کار نباشد. و آرامش فکری، آنجا که: آشفتگی در باور و فکر نباشد. اولی، مقدمه دومی است. که یعنی یک‌نفر، اول باید به امنیت بیرونی و درونی برسد و بعد به آرامش و اطمینان فکری. ورطه بحران و آشوب، اصلا محیط مناسبی برای عرضه یک فکر نیست. در غوغای اضطراب و ترس و جنگ، هیچ پیامبری به تبلیغ تعریف دین خود نمی‌پردازد. مگر اینکه پیامبری با قوم خود به صحنه کارزار آمده باشد.

این سخن، کمی به درازا کشید. قصد من این است که بگویم: ما انسان‌ها، علاوه بر پشتیبانی بیرونی، به پشتیبانی درونی نیز نیاز داریم. که به ما اعتماد به نفس بدهد و ته‌مانده اضطراب و ترس ما را بروبد. این ترمیم اعتماد و دلداری و تقویت درون، اکنون یک اصل مسلم روان‌شناسی است. اعتماد به نفس و دلداری دادن به کسی که در یک پادگان نظامی حتی، دچار تزلزل امنیتی است، نقش قابلی در آسایش درونی او دارد. یک پدر، یک مادر، یک دوست، یک پادشاه، یک رییس‌جمهور، ژ در اعمال اعتماد به نفس به مخاطبان و مردم خود، سهم موثری دارد. به یک شرط! اینکه این اعتماد به نفس، خاستگاه درست و حقیقی داشته باشد. تزریق دروغین و بدون پشتوانه اعتماد به نفس، آنجا که عقبه سست آن برملا شود، تاثیر معکوس و مخرب بر مردمان یک جامعه خواهد گذارد.

ادامه دارد

دور دنیا

کوین کاستنر سوپرمن می‌شود

■ فیلمبرداری نسخه جدید «سوپرمن»، اوایل سال جدید میلادی آغاز خواهد شد تا اواسط ماه ژوئن ۲۰۱۳ به روی پرده سینماها برود. کوین کاستنر بازیگر نسخه جدید و احیا شده این مجموعه فیلم می‌گوید تهیه‌کنندگان این فیلم با آنکه هنوز قسمت اول آن را جلو دوربین نبرده‌اند اما در تدارک تولید قسمت بعدی آن هستند. نسخه سال ۲۰۰۶ قرار بود به احیای این مجموعه فیلم بپردازند ولی نتوانست مورد توجه منتقدان و تماشاگران سینما قرار گیرد. این فیلم با هزینه ۲۰۰میلیون دلاری خود، در آمریکای‌شمالی فروشی پایین‌تر از این رقم داشت.

گاندی به جمع معترضان وال‌استریت پیوست

■ **شرق:** در حالی که برخی از معترضان جنبش اخیر وال‌استریت، در خارج از مرکز فرهنگی هنری لینکلن دست به اعتصاب غذا زده‌اند اما گروهی از جوانان معترض با اجرای اپرای «نیروی حقیقت» درباره زندگی گاندی در حضور جمعیت چهارهزار نفری با معترضان همراهی کردند. این اپرا اولین‌بار در سال ۱۹۷۹، با کارگردانی «فیلیپ گلاس»، اجرا شده است.

دور ایران

آغاز اجرای «ریچارد سوم»

■ نمایش «ریچارد سوم» به کارگردانی آتیلا پسیانی در تالار استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه می‌رود. این نمایش که کاری از گروه تئاتر بازی است با نگاهی به ریچارد سوم یکی از مشهورترین نمایشنامه‌های ویلیام شکسپیر توسط محمد چرمشیر نوشته شده است.

بازیگرانی که در «ریچارد سوم» به ایفای نقش می‌پردازند، به ترتیب الفبا عبارتند از: صابر ابر، محمود بهروزیان، آتیلا پسیانی، خسرو پسیانی، ستاره پسیانی، نگار عابدی، حسن طاهری، مهدی موسی‌خانی و فاطمه نقوی. آنکیدو دارش طراحی صدا و حامد صفایی طراحی تکنیک تصویر این نمایش را بر عهده دارند. اجرای عمومی ریچارد سوم از ۲۰ آذر شروع می‌شود.